

بررسی نگرش مدیران شرکت گاز استان خراسان رضوی پیرامون تغییر و تفکر استراتژیک

هادی کریمی^۱ و جواد ریحانی^۲

^۱ هیئت علمی دانشگاه شاندریز مشهد

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد شاهرود

چکیده- تفکر استراتژیک جهت گیری مناسب سازمان را مشخص می سازد و برنامه ریزی استراتژیک سازمان را در جهت مشخص شده به پیش می برد. تفکر استراتژیک با سنتز عوامل موثر محیطی و درونی تصویر یکپارچه ای از فضای سازمان را در ذهن ایجاد کرده و زمینه را برای خلق پاسخهای خلاقانه و بدیع به نیازهای بازار فراهم می سازد و برنامه ریزی استراتژیک با روشهای تحلیلی، اهداف استراتژیک را به برنامه ها و اهداف سالیانه و کوتاه مدت تبدیل کرده و گامهای لازم برای پیاده سازی استراتژی خلق را فرموله می کند. هدف مقاله حاضر بررسی نگرش مدیران شرکت گاز استان خراسان رضوی پیرامون تغییر و تفکر استراتژیک است. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی از نوع همبستگی و به لحاظ روش پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه مدیران عالی و روسای بخش های مختلف شرکت گاز خراسان رضوی می باشند که تعداد آنها حدود ۲۰۰ نفر برآورد شد. با توجه به تعداد اعضای جامعه آماری روش نمونه گیری به صورت تصادفی و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۵۲ نفر انتخاب شد. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته شامل ۳۵ سؤال استفاده شد. روایی پرسشنامه تحقیق از نوع روایی محتوایی است. میزان آلفای کرانباخ متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۷ است که بیانگر هماهنگی درونی گویه ها و تأیید پایایی پرسشنامه است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون با کاربرد نرم افزار SPSS استفاده شد. بر اساس نتایج سطح معنی داری آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ کمتر از ۰/۰۵ است پس می توان نتیجه گرفت با افزایش نگرش تحلیل استراتژیک شرکت گاز میزان آمادگی برای تغییر آنها افزایش می یابد. هم چنین نتایج نشان داد مدیرانی که نگرش به تغییر پذیری بیشتری دارند آمادگی بیشتری برای تغییر دارند.

کلید واژه ها: برنامه ریزی، محیط سازمان، نگرش تحلیل استراتژیک، نگرش به تغییر پذیری، ایجاد تغییر

مقدمه

داند(موریسون، ۲۰۰۰). در تفکر استراتژیک یک تصویر بزرگ و یکپارچه (و درعین حال کلی و فاقد دقت) از محیط سازمان شکل می گیرد. این شیوه نگرش لازمه کشف قواعد اثربخش و بکارگیری آنها در راستای پاسخ به مشتری است، درحالی که برنامه ریزی استراتژیک با تمرکز بر روی چشم انداز و جزئیات استراتژی خلق شده، داده های دقیق برای پیاده سازی استراتژی را فراهم می سازد. شاید با این دیدگاه بهتر باشد برنامه ریزی استراتژیک، برنامه ریزی استراتژی و ابزاری برای پیاده سازی چشم انداز (حاصل از تفکر استراتژیک) تلقی شود. بدین ترتیب، ابعاد تحلیلی و عقلایی استراتژی با ابعاد خلاقانه و هنری آن پیوند می خورد و یک رویکرد قوی مدیریتی حاصل می گردد. تیم اوشاناسی آیین تلفیق را یک فرایند دیالتیک

در دوران جدید، عصر برنامه ریزی استراتژیک به تنهایی سر رسیده و نقش آن به تفکر استراتژیک سپرده شده است. رویکرد سازنده تر و مفیدتری هم برای این زمینه وجود دارد: تفکر و برنامه ریزی استراتژیک می توانند در کنار هم نقش مکمل داشته باشند. در این رویکرد، تفکر استراتژیک چشم انداز می آفریند و برای تبیین و پیاده سازی آن از ابزار برنامه ریزی استراتژیک استفاده می شود. هنری مینتزرگ متفکران را از برنامه ریزان استراتژیک جدا می داند. وی برای برنامه ریزان استراتژیک نقشهای موثری همچون گردآوری داده، همراهی متفکر استراتژیک در خلق استراتژی و مشارکت در پیاده سازی چشم اندازهای استراتژیک ذکر می کند ولی خلق چشم انداز و معماری استراتژی را حاصل تفکر استراتژیک می

² Oshannassy

¹ Morrison